

## مهدویت و جایگاه آن در چشم‌انداز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (با رویکرد آینده‌پژوهی)

رحیم کارگر \*

### چکیده

«آینده‌پژوهی» به عنوان یکی از حوزه‌های مطالعاتی، این رسالت را بر عهده دارد که مدیریت آینده جهان را ترسیم سازد. بر همین مبنا است که رهبران جوامع با در نظر گرفتن عوامل مختلف (ایده‌ها، آرزوها، فرصت‌ها، تهدیدها و استعدادها) و برای رسیدن و تعیین درست آینده، سندهایی را با عنوان «چشم‌انداز» تنظیم می‌کنند. بر این اساس، چشم‌انداز، بیان سازمان یافته‌ای است در مورد حرکت از حال به سوی آینده و از وضع موجود به وضع مطلوب. یکی از ضرورت‌های جامعه دینی ما تدوین سند چشم‌انداز فرهنگی بر اساس مهدویت است. نگاه مبتنی بر این باور، ضمن ارائه تصویری مطلوب و آرمانی و قابل دستیابی از ارزش‌ها و باورهای فراروی جامعه، بیانگر این نکته است که آینده‌ای مبتنی بر عدالت و حاکمیت توحید در سراسر جهان در انتظار ماست. سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران که متضمن چشم‌انداز فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است؛ موعودگرایی و مهدویت را به طور شایسته و بایسته مورد توجه قرار نداده است که این کمبود را می‌توان با تدوین سند چشم‌انداز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مهدویت را جبران نمود. ترسیم مبانی مهدویت به عنوان چشم‌انداز فرهنگی، در واقع نویدبخش تحقق ارزش‌هایی است که با ظهور حضرت مهدی علیه السلام محقق می‌شود که اهم آن عبارتند از: کرامت آدمی و بازگشت به فطرت و پاک‌نهادی، آزادی واقعی، حاکمیت ارزش‌های اخلاقی، بالندگی عملی و... در این جهت لازم است قرار فرهنگی در شهر مقدس قم شکل گرفته و عهده دار تدوین چشم‌انداز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران گردد.

واژگان کلیدی: چشم‌انداز، چشم‌انداز فرهنگی، مهدویت، آرمانگرایی.

۱. عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی؛ noorbaran313@gmail.com

امروزه «آینده پژوهی» در قالب شاخه جدید علمی و به عنوان یک حوزه مطالعاتی مهم سعی دارد نحوه تحقق برنامه‌های استراتژیک آینده محور را تشریح و گام‌های ساخت و مدیریت آینده را مشخص کند. مهم‌ترین مولفه آینده پژوهی را می‌توان تحرک وانگیزش خود و دیگران برای حرکت به سمت فردای بهتر و آبادتر دانست و درست در همین مسیر است که رهبران، با کنار هم قرار دادن حقایق، آرزوها، ایده‌آل‌ها، فرصت‌ها، تهدیدها و استعدادها به تنظیم سندهایی با عنوان «چشم‌انداز» می‌پردازند. گرایش به ترسیم آینده‌ای درخشان و برنامه‌ریزی برای رسیدن به آن چشم‌انداز، امروزه چهره‌ای همگانی و جهانی پیدا کرده و سیاست‌ها و برنامه‌های رشد و پیشرفت، بر اساس آن سامان داده می‌شود.

اندیشه‌ورزان و آینده‌پژوهان، در قالب تعابیر گوناگونی از چشم‌انداز یاد کرده‌اند. از منظر برخی از آن‌ها شناخت چشم‌انداز، به مثابه ارزشی فرهنگی است. چشم‌انداز، بیان سازمان یافته و نیرومند جایگاهی است که فرد، ملت یا سازمان باید به آن جا برسد. به عبارت روشن‌تر، چشم‌انداز، تصویری شفاف و عمیق از مسیر و هدف فرد یا گروهی است که قصد رسیدن به آن را دارند. در واقع، چشم‌انداز، ترکیب درک مشترک از موفقیت‌های آتی و تمایل رسیدن به آن‌هاست. بر این اساس، چشم‌انداز، توانایی نگرستن به فراتر از واقعیت موجود، آفرینش و ابداع چیزی است که اکنون وجود ندارد و تبدیل شدن به آنچه اکنون نیستیم و توانایی زندگی در آرمان و هدف‌گرایی، به جای زندگی، در اولویت است؛ یعنی آینده مطلوبی که علاقه مندیم به واقعیت بپیوندد.

هر کشور و نظامی برای رسیدن به نقطه مطلوب و قابل قبول خود، باید اهدافی را تعریف کند تا به عنوان افق و چشم‌انداز آینده آن کشور شناخته شود و بتواند تمامی مسئولان آن کشور را به سمت آن افق رهنمون سازد. یکی از تاثیرات مهم و با ارزشی که می‌توان برای چنین چشم‌اندازی متصور بود، ایجاد ثبات در مدیریت کشور است؛ چراکه اگر قرار باشد آن کشور به اهداف بلند مدت خود، یعنی همان اهداف تعریف شده در چشم‌انداز برسد، باید در مسیری حرکت کند که در انتها به آن نقطه مطلوب می‌رسد. در واقع، تبیین یک چشم‌انداز

برای یک کشور، مسیر روشنی را در اختیار مسئولان آن کشور قرار می‌دهد تا با نگاه مستمر به آن، طی طریق کنند و این مسیر، برای سنجش میزان انحراف آن‌ها از چشم‌انداز کشور به عنوان «شاخص» عمل کند. بر همین اساس، ضروری است برنامه‌ها، سیاست‌ها و قوانین مصوب یک کشور (کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت) با اهداف و چشم‌انداز تبیین شده، در افق مسیر مذکور هماهنگ و در همان جهت باشد. این مسئله در تدوین و داشتن سند چشم‌انداز فرهنگی از اهمیت زیاد تری برخوردار است؛ زیرا مقوله فرهنگ خود زیر بنایی‌ترین رکن جامعه است و بنابراین، داشتن چشم‌انداز در این زمینه ضرورت خاصی دارد. فرهنگ، نظام‌واره‌ای است از باورها و مفروضات اساسی، ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری ریشه‌دار و دیرپا و نمادها و مصنوعات که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد. فرهنگ، میراث یک ملت، مجموعه رفتار آداب و رسوم، تلقی جمعی انسان از زندگی، جدا کننده انسان از حیوان، حاصل تجربه تاریخی ملل، فعالیت حیات مادی و معنوی بشر، نظامی از ارزش‌ها و دانش‌هاست:

فرهنگ، کیفیت یا شیوه بایسته و یا شایسته برای آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان هاست که به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعید شده آنان در حیات معقول تکاملی مربوط باشد (جعفری، ۱۳۸۶: ۱۰).

رهبران و مدیران، برای معماری آینده مطلوب خود و جامعه در آغاز راه انگاره‌ها و گزاره‌های چشم‌نواز و محکمی از آینده به تصویر می‌کشند و در گام بعدی جامعه، آن انگاره و آرمان را پذیرفته، باور کرده و حمایت می‌کنند و سپس آن‌ها با همکاری یکدیگر، انگاره یاد شده را تحقق می‌بخشند. آفرینش دورنماهایی از کامیابی‌ها و موفقیت‌ها همواره در بستر باورهای مشترک، دین، فرهنگ و ادبیات کارسازتر و دست یافتنی‌تر بوده است. ادیان الهی، بویژه دین مبین اسلام، با ترسیم چشم‌اندازهایی حرکت آفرین و الهام‌بخش از آینده قدسی بشر، بی‌بدیل‌ترین منابع خلق چشم‌انداز هستند:

و تُرِيدُ أَنْ نَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (قصص: ۵).

قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام سرشار از بشارت‌های حرکت آفرین به سوی

چشم‌اندازی تمام‌نما از پیروزی راستین خوبی‌ها بر بدی‌ها و حاکمیت مطلق حق بر باطل است. طبق بیان حضرت علی علیه السلام:

آن که به استقبال آینده می‌رود، بیناترین است و آن که پشت به آینده حرکت می‌کند، سرانجام سرگردان می‌ماند.

استقبال از آینده در کلام مولای متقیان، مفهومی جز برخورداری از رویکردهای فعالانه و پیش‌دستانه در رویارویی با آینده و داشتن چشم‌اندازی روشن ندارد.

در این منظر، «موعودگرایی و حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام»، چشم‌انداز و غایت کمال نوع انسان و این‌ای بشر است و اهمیت و کرامت انسانی بر مبنای چنین چشم‌اندازی طراحی شده و معنا می‌یابد. در این نگاه، قرآن در قالب اندیشه مهدویت، به وضعیتی توجه می‌دهد که انسان‌ها با زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف، در مسیر و مقصدی واحد شریک می‌باشند و آن توحید و عدالت بر اساس فطرت پاک خدادادی است و همه انسان‌ها با اعتقاد به موعودگرایی، ظهور عدالت جهانی را انتظار دارند. تلاش امامان معصوم نیز بخشی از اهداف الهی در چشم‌انداز دینی به آینده انسان‌ها را نشان می‌دهد. چشم‌انداز دینی تصویری مطلوب از آینده است که با فطرت و عواطف انسان ارتباط بسیار نزدیکی دارد و بشر را با عمیق‌ترین خواسته‌ها و آرزوهایش ارتباط می‌دهد. چشم‌انداز، در آینده‌پژوهی دینی در جهت ترسیم جایگاه رفیع بی‌انتهای و ملکوتی انسان و به دنبال تحقق مدینه‌ای آرمانی است.

بر این اساس، دو دغدغه اساسی به شکل‌گیری این پژوهش منجر شد: ابتدا احساس می‌شد جامعه به که چشم‌اندازی فرهنگی نیاز دارد که با تکیه بر مبانی معرفتی دینی و نگاه به آینده روشن تدوین شده و سرچشمه اصلی آن جامعه آرمانی اسلام (جامعه مهدوی) است. در واقع، «مهدویت» به عنوان چراغ راه آینده و الگوی جامع و کامل اسلام، برای رشد و بالندگی جوامع بشری، می‌تواند مطمئن‌ترین و کارآمدترین منبع تدوین چشم‌انداز و برنامه‌های سیاستی برای تعالی و تکامل جامعه باشد.

از طرفی، یکی از مباحث مهم جمهوری اسلامی ایران، تدوین «سند چشم‌انداز بیست ساله (در افق ۱۴۰۴)» است که به نظر می‌رسد جایگاه بحث مهدویت در این سند مورد توجه جدی

قرار نگرفته و ما باید به تحولی اساسی در افق چشم‌انداز بپردازیم تا بتوانیم به جایگاه این مبحث مهم در آینده و چشم‌اندازهای بعدی دست یابیم. سند چشم‌انداز، برای قرار دادن برنامه ریزی مهدوی به تحولی اساسی نیاز دارد تا بتوانیم جامعه‌ای مهدوی و اسلامی برای پیشبرد اهداف ایجاد کنیم. از منظر قرآن، مهدویت فرجام و غایت جامعه بشری و الگوی واقعی آن است و باید هویت ما با استفاده از آن بازتعریف شود. اندیشه مهدویت، اندیشه ما را پربار و موقعیت جمهوری اسلامی را در اجرای مأموریت‌ها و رسالت انقلاب اسلامی در حفظ آرمان‌ها تقویت می‌کند. پیشرفت، عدالت و تعالی بخشی از ظرفیت‌های مهدویت است.

مهدویت، دارای مولفه‌ها و ابعاد گسترده و جامعی است که می‌تواند در تدوین سند‌های چشم‌انداز مورد توجه واقع شود؛ از جمله این مؤلفه‌ها عبارتند از: فراگیری و عام‌نگری (جهان‌شمولی)، عدالت‌گرایی، معنویت‌گرایی و کمال‌بخشی، حق‌گرایی و ریشه‌کنی نمودهای باطل، تحقق عبودیت و یکتاپرستی، خشونت‌ستیزی (ظلم، جنگ، ناامنی و...)، تأمین رضایت‌مندی و خشنودی مردم، شایسته‌سالاری (حکومت صالحان و مستضعفان)، تحول‌گرایی مثبت و سازنده، ایجاد انسجام، سازواری و هم‌آهنگی و... (کارگر، ۱۳۸۹: ۴۴). از این رو، مهدویت از مبانی اساسی در باور شیعی، به عنوان عامل مهم و موثر بر طراحی و برنامه ریزی توسعه کشور می‌بایستی مورد توجه قرار گیرد. شاید کم‌تر کسی به این موضوع توجه داشته باشد که مدیریت و برنامه ریزی توسعه در کشور بدون توجه به روح مهدویت و به کارگیری آموزه‌های این باور الهی در تشیع، بسختی بتواند در رشد و توسعه کشور و داشتن چشم‌اندازی روشن - بخصوص در عرصه فرهنگی - موفق شود. جمهوری اسلامی ایران، به عنوان نظامی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی شیعی، در تلاش است تا مسیر توسعه را با اتکال به خداوند و اتصال به تعالیم عالی اسلام طی کند. در این مسیر، توجه به جایگاه رفیع و والای مهدویت از اهمیت خاصی برخوردار است. به دلیل اشتراکاتی که در ماهیت باورداشت مهدویت وجود دارد، لازم است سیاست‌های کشور، بویژه چشم‌انداز بیست ساله، به طور دقیق و کامل با روح و محتوای اعتقاد به مهدویت سازگار شود.

بر این اساس، سوال اصلی این مقاله آن است که مهدویت دارای چه جایگاهی در تدوین چشم‌انداز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است؟

### چیستی چشم‌انداز فرهنگی

مهم‌ترین وجه آینده‌پژوهی، بعد «چشم‌اندازساز» آن است که به هنجارها و رفتارهای کنش‌گرایانه نیازمند می‌باشد. خلق چشم‌انداز و تلاش برای محقق ساختن آن، تجلی بخش آینده‌پژوهی هنجاری است که بعضی از آینده‌پژوهان را بر آن داشته با ترسیم چشم‌اندازهایی فراگیر و برخوردار از مولفه‌های متعالی، تصویرهایی خلاقانه و اندیشمندانه از جامعه‌ای بدون نقص و کاستی و متفاوت از سایر جوامع را موجب شوند تا پیدایش و شکل‌گیری جهانی جدید را نوید دهند؛ چرا که چشم‌انداز، شگردی آینده‌پژوهانه است که با ارائه تصویری واضح و مطلوب از آینده به آن شکل می‌بخشد و توانایی نگرستن به فراتر از واقعیات موجود و خلق و ابداع چیزی است که هم اکنون موجود نیست. می‌توان گفت رشد و پویایی جوامع در گرو ترسیم چشم‌انداز آن‌هاست؛ زیرا هیچ امر مهمی بدون چشم‌انداز محقق نشده است و گرچه یگانه عامل موفقیت نیست؛ ضروری‌ترین و مهم‌ترین عامل به شمار می‌آید. به همین خاطر، سازمان‌ها و جوامع چشم‌انداز محور، از سازمان‌ها و جوامع محروم از چشم‌انداز بسیار تواناتر می‌باشند. تمامی ادیان آسمانی، بویژه دین اسلام، با ترسیم چشم‌اندازهایی حرکت‌آفرین و الهام‌بخش از آینده قدسی بشر، بی‌نظیرترین منابع خلق چشم‌اندازها هستند. البته آینده‌پژوهی برای مطالعه آینده از سه رویکرد «اکتشافی»، «هنجاری» و «تصویر پرداز» بهره می‌گیرد:

۱. رویکرد تحلیلی؛ آینده‌پژوهی اکتشافی: رویکرد اکتشافی، در پی کشف آینده است. این رویکرد، از زمان حال شروع شده و رو به سوی آینده دارد و به اصطلاح رو به بیرون (outward bound) است و تلاش می‌کند تحت شرایط مختلف، کشف کند که کدام آینده رخ می‌دهد. این رویکرد با دو پرسش روبه‌روست: «آینده می‌تواند چگونه باشد» و: «چه آینده‌هایی را می‌توان ساخت».

۲. رویکرد هنجاری؛ آینده پژوهی تجویزی: رویکرد هنجاری از موقعیتی مطلوب در آینده شروع کرده، به زمان حال می‌رسد و چگونگی تحقق آن موقعیت مطلوب در آینده را بررسی می‌کند؛ به اصطلاح رو به درون (Inward bound) است. این رویکرد با پرسش‌هایی چون «آینده باید چگونه باشد؟» و «چه آینده‌ای را باید ساخت؟»؛ به پژوهش می‌پردازد. در این رویکرد، آینده جایی نیست که به آن جا می‌رویم، بلکه جایی است که آن را به وجود می‌آوریم. بنابراین رویکرد، راه‌هایی که به آینده ختم می‌شوند، یافتنی نیستند، بلکه ساختنی‌اند (قدیری، بی تا: ۹).

۳. رویکرد تصویر پردازی: رویکرد تصویر پرداز با پرسش «آینده بهتر است چگونه باشد؟»؛ پژوهش را آغاز می‌کند (ملکی فر و همکاران، ۱۳۸۵: ۶-۱۲۱).

روش چشم‌انداز در پژوهش حاضر، روشی هنجاری است. وظیفه عملی این رویکرد، طراحی آینده بایسته جامعه، به گونه‌ای باور پذیر و مقدور در افق زمانی مشخص است. در چشم‌انداز باید آینده‌های عملیاتی را مثل چشم‌انداز بیست ساله، هنجاری تعریف کنیم و به تمام بخش‌های جامعه آموزش می‌دهیم که در جهت آن چشم‌انداز برنامه ریزی نمایند (علیپور، ۱۳۹۰: پایان‌نامه، دانشگاه باقرالعلوم ع).

چشم‌انداز، که از آن به دور نما، منظر، آینده متصور و یا آینده آرمانی و مطلوب نیز نام برده می‌شود؛ توصیفی است از شرایط آینده و به عبارت دیگر، تصویری است از وضعیت آینده یک مجموعه، زمانی که به اهداف و استراتژی‌های خود دست یافته باشد. چشم‌انداز، در زبان فارسی به معنی چیزی است که از آینده در نظر انسان مجسم می‌شود. چشم‌انداز را می‌توان ترجمه فارسی «Vision» دانست. «Vision»، چیزی است که به طور واضح و روشن، از غیر راه‌های معمولی دیدن، مشاهده می‌شود، بخصوص ظهوری از پیشگویی یا ویژگی اسرارآمیز یا دارا بودن ماهیت وحی که به‌طور مافوق طبیعی در عالم رؤیا و یا در حالتی غیر طبیعی، در ذهن انسان ظهور پیدا کند. همچنین مفهوم طرح یا پیش بینی تخیلی فوق‌العاده، آینده نگری و تعقل در برنامه ریزی، پیشگویی و توانایی تخیل و آمادگی برای آینده و یا منظره‌ای زیبا، شخص یا صحنه و... زیبایی غیر عادی دارد. دو تن از محققان با استفاده از

مجموع این تعریف‌ها، در تعریف چشم‌انداز چنین ابزار داشته‌اند که چشم‌انداز، تصویری است که شکل گرفته‌اند و فرایندی تعاملی است که به همان میزان که به گذشته مربوط می‌شود به آینده هم ربط پیدا می‌کند؛ بلکه باید گفت با طرحی برای آینده گره می‌خورد و تدوین آن، به پایداری و توانبخشی زیر دستان منجر خواهد شد. ایشان این نوع چشم‌اندازها را «چشم‌اندازهای استراتژیک» می‌نامند (ر.ک. از گلی، ۱۳۸۳: ۳۷-۴۰).

اندیشه ورزان و آینده پژوهان در قالب تعبیر گوناگونی از چشم‌انداز یاد کرده‌اند. برخی از آن‌ها چشم‌انداز را روشنگر راه دانسته و شناخت چشم‌انداز را به مثابه ارزش فرهنگی عنوان کرده‌اند. می‌توان رایج‌ترین توصیف‌های چشم‌انداز را چنین برشمرد:

چشم‌انداز بیان سازمان یافته و نیرومند جایگاهی است که فرد، ملت یا سازمان باید به آن جا برسد. چشم‌انداز تصویری شفاف و عمیق از مسیر و هدف فرد یا گروهی است که رسیدن به آن را قصد دارند. چشم‌انداز ترکیب درک مشترک از موفقیت‌های آتی و تمایل رسیدن به آن‌هاست.

چشم‌انداز عبارت است از تصویری مطلوب و آرمان قابل دستیابی که منظور و دورنمایی در افق بلند مدت فراروی مدیریت عمومی جامعه قرار می‌دهد و دارای ویژگی‌های جامع‌نگری، آینده‌نگری و ارزش‌گرایی و واقع‌گرایی است (مبینی دهکردی و میرفانده، ۱۳۹۰: ۶۵).

چشم‌انداز، تصویری از آینده‌ای مطلوب و پاسخی به این پرسش که ما می‌خواهیم چه چیزی بیافرینیم؟ در این تعریف، برخلاف رویکرد سنتی، چشم‌انداز آینده‌ای نیست که باید پیش‌بینی شود، بلکه فردایی است که باید خلق شود.

(Parikh, J and Neubauer, F. "corporaet visioning Int. rev. 1993, p.4)

چشم‌انداز عبارت است از آینده‌ای واقع‌گرایانه، محقق‌الوقوع و جذاب برای سازمان شما. چشم‌انداز بیان صریح شما از سرنوشتی است که سازمانتان باید به آن سمت حرکت کند. آینده‌ای است که برای سازمان شما به گونه‌های مهمی موفقیت‌آمیزتر و مطلوب‌تر از وضع فعلی آن (رضایی، ۱۳۸۵: ۴۴-۴۵).

چشم‌انداز، با در نظر گرفتن امکان تحقق در یک دوره بلندمدت و با توجه شناخت محیط ملی (درونی) و بررسی نقاط قوت و ضعف تعیین می‌گردد و به رخدادهای جهانی و روند تحولات محیط بین‌المللی (بیرونی) نگاهی دقیق دارد

تا فرصت‌ها و تهدیدات احتمالی را بشناسد و نحوه تعامل محیط بیرونی و درونی را روشن سازد. چشم‌انداز همواره، تصویری جذاب و استثنایی از آینده به ما ارائه می‌دهد و ما باید سهم خود را در تحقق آن بدانیم. تحقق متفکرانه در چشم‌انداز، مهر تاییدی بر ارائه پیگیری و تعهد ما در ایجاد تحول است. چشم‌انداز تأکید می‌کند که سازمان به کجا می‌خواهد برود و چگونه به آن جا می‌رود. با نگاهی به آینده و موفقیت در محیط رقابت بی رحمانه یک چشم‌انداز مشترک زیرکانه و دستیابی به عملکرد عالی، به اجرای صحیح کارها بستگی دارد. چشم‌انداز، هنر دیدن چیزهای نامرئی است. چشم‌انداز، یک راهبرد، یک فرهنگ و یک توانایی بالقوه ذهنی است برای بسط افق‌های یک سازمان، در مورد آنچه می‌تواند باشد (پاتریک، ۱۳۸۶: ۲۷).

با توجه به تعاریف یاد شده می‌توان گفت:

چشم‌انداز فرهنگی عبارت است از تصویری مطلوب و آرمان قابل دستیابی از ارزش‌ها و هنجارها و باورها که منظور و دورنمایی در افق بلند مدت فراروی جامعه (مدیران و مردم) قرار می‌دهد و دارای ویژگی‌های جامع‌نگری، آینده‌نگری و ارزش‌گرایی و واقع‌گرایی است.

در این‌جا مسئله اصلی این است که چگونه می‌توانیم چشم‌انداز فرهنگی داشته باشیم؟ به عبارتی، چگونه می‌توان چشم‌انداز فرهنگی را تدوین و اجرا نمود؟ پاسخ این است که فرآیند ساخت تصویری از آینده باید به حد کافی واقعی باشد؛ همانند یک آهن‌ربا بتواند اهداف مورد نظر را جمع کند و همانند یک «مهمیز» برانگیزاننده اقدامات فعلی باشد. این فرآیند می‌تواند به صورت فردی انجام شود؛ اما غالباً در کارگاه‌های آینده‌اندیشی انجام می‌پذیرد (اسلاتر، ۱۳۸۶: ۵۸). چشم‌انداز، به منزله عامل جلوبرنده فعالیت‌های فردی و جمعی بوده و مجموعه‌ای از مدیران و تصمیم‌گیرندگان را در جهت هدفی بزرگ و دشوار، در افق زمانی بلند مدت (۲۰-۱۰ ساله)، بسیج و تهییج می‌کند. چنین چشم‌اندازی، قوی‌ترین عامل انگیزش فعالین در جامعه است و در صورتی که واضح و به حد کفایت پر معنا باشد، می‌تواند افراد را برای انجام دادن کارهای مبهوت‌کننده برانگیزاند. برای نیل به چشم‌اندازی فراگیر در سازمان، یا دستگاه فرهنگی، بایستی اهداف بلند مدت کاملاً واضح باشند؛ در غیر این صورت، بیانیه

چشم‌انداز بی معنا و بی محتوا خواهد بود. بر همین اساس است که اندیشمندان مدیریت استراتژیک چشم‌انداز را به مثابه ستاره قطب شمال تعریف کرده‌اند، نه یک آرمان. در این صورت، اگر چشم‌انداز با واقع بینی، فراست و مبتنی بر احساسات، ارزش‌ها و هوشمندی جامعه، فعالین دستگاه‌ها و سازمان‌های فرهنگی تعریف شده باشد؛ می‌تواند نقش یک عامل نیروزا، جهت دهنده و هماهنگ کننده را بازی کند.

هر چشم‌انداز علمی، پویا و حرکت آفرین دارای بخش‌هایی است که هر بخش کارکرد ویژه‌ای دارد و جمع تمامی این بخش‌ها علت تامه وجود چشم‌انداز است. کاستی و نقصان در هر بخش که به مثابه علت ناقصه چشم‌انداز است، در ارکان چشم‌انداز خلل وارد خواهد ساخت. جمع این علل ناقص، موجب پیدایش علت تام خواهد شد.

#### ۱. جهان بینی محوری (Core Ideology)

«جهان بینی محوری»، در چشم‌انداز به ما می‌گوید که بر چه چیزی تکیه داریم و فلسفه وجودی ما چیست. این بخش نمایانگر هویت یک جامعه یا سازمان است. جهان بینی همواره ثابت و پایدار و مکمل آینده تصویر شده است. جهان بینی محوری، همچون ستاره قطبی است که همیشه در آسمان چشم‌انداز به دنبال آن هستیم؛ اما هیچ گاه به آن نمی‌رسیم. البته این ستاره تنها مسیر را به ما نشان می‌دهد. جهان بینی محوری از دو بخش تشکیل شده است:

#### ۱-۱. ارزش‌های اساسی (Core Values)

این ارزش‌ها، «اصول و باورهای هدایت‌گری» اند که همواره ثابت و پا بر جا هستند و مستقل از زمان و راهبردهای گوناگون به حیات خود ادامه دهند. اغلب ارزش‌های اساسی را در قالب سه تا پنج گزاره توصیف می‌کنند. برای آزمودن ارزش‌های اساسی و تشخیص آن‌ها از راهبردها و تاکتیک‌های اقدام، با طرح پرسش‌هایی از این دست، آن‌ها را محک می‌زنند: آیا حاضر هستید ارزش‌ها را تا یکصد سال حفظ کنید؟ اگر ارزش‌ها موجب زیان مالی شد، آن‌ها را حفظ می‌کنید؟

## ۱-۲. منظور اصلی (Core Purpose)

علت وجودی جامعه که ثابت و پایدار بوده و سنجه‌ای مهم برای یافتن مسیر است. برای آزمایش درستی منظور اصلی، در پنج مرحله عبارت منظور اصلی را با این پرسش می‌آزماییم: چرا این، برای شما مهم است؟

## ۲. آینده تصویر شده (envisioned Future)

برای ایجاد ارتباط، درک پذیر سازی و باور چشم‌انداز، باید آن را مشروح و پر جزئیات به تصویر کشید. انسان‌ها، سازمان‌ها و ملت‌ها شکست می‌خورند؛ زیرا نمی‌دانند در چه عرصه‌ای عزم پیروزی دارند. آینده تصویر شده، توصیفی شفاف از جایی است که می‌خواهیم به آن برسیم. در این بخش، بایستی اهداف بزرگ، مهیج و بی‌باکانه‌ای ترسیم شود که از برنامه‌های منطقی و روندپژوهی آینده بسیار بلندپروازانه‌تر است. در این تصویر، آماج‌های خود را ترسیم می‌کنیم؛ به شکست رقیبان اشاره می‌کنیم؛ از خلال تصویرها الگوهایی برای آینده می‌سازیم و به تحول درونی اهداف توجه می‌کنیم. آینده تصویر شده می‌کوشد چشم‌انداز را از تنگنای واژه‌ها رها ساخته و به تصاویری زنده تبدیل کند که تصویرسازی آن برای همگان امکان‌پذیر باشد. بر این پایه، هر چشم‌اندازی باید به سه پرسش اساسی پاسخ دهد:

- چه اقدامی باید انجام شود؟

- چرا باید انجام شود؟

- چگونه باید انجام شود؟

این سه پرسش هدایت‌گر، هدف، فلسفه و مسیر چشم‌انداز را روشن می‌سازند. بنابراین، می‌توان گفت آینده تصویر شده نیز از دو بخش تشکیل شده است: اهداف بی‌باکانه، مهیج و بزرگ (اهداف بمب) و توصیف شفاف: تبدیل چشم‌انداز از کلمات به تصاویر زنده...

([www.ayandehpajoohi.com/archive/00138.php](http://www.ayandehpajoohi.com/archive/00138.php))

## چشم‌انداز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مهدویت

«سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی»، تصویری مطلوب از

وضعیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و علمی کشور بر اساس مبانی و آرمان‌های انقلاب اسلامی در سال ۱۴۰۴ را ترسیم می‌کند. این سند به عنوان یک سند فرادستی و کلان در آذرماه ۱۳۸۲ توسط رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، به قوای سه گانه، مجمع تشخیص مصلحت نظام و به نوعی به آحاد ملت ایران ابلاغ شد. حضرت آیت الله خامنه‌ای در ابلاغیه خود با تأکید بر تدوین برنامه جامع عملیاتی برای تحقق این چشم‌انداز می‌فرماید:

انتظار می‌رود چارچوب این سیاست‌ها و نقاط مورد تکیه در آن بتواند به تدوین برنامه‌ای جامع و عملیاتی برای دوره پنج ساله بینجامد.

یکی از مشخصات جامعه ایرانی در افق چشم‌انداز عبارت است از دست یافتن به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه). با این‌که مدتی است سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران تهیه و ابلاغ گردیده، ضرورت دارد سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی کشور که نقش اساسی در تحقق آن دارند، برای خود، سند چشم‌انداز تهیه کنند و همه دستگاه‌های فرهنگی همچون وزارت ارشاد، سازمان تبلیغات، و دیگر بخش‌ها و موضوعات اصلی فرهنگ کشور، هم چون فیلم، هنر، مطبوعات، رسانه‌ها، جهانگردی، میراث تاریخی، چشم‌انداز خود و بویژه سهم خود را در سند ملی چشم‌انداز تعریف و تبیین کنند.

چشم‌انداز بخش فرهنگ کشور که تجمیع چشم‌اندازهای دستگاه‌های فرهنگی و موضوعات مختلف فرهنگ است، پرتوافکن مسیر حرکت همه آن‌ها و هم سو کننده آن‌ها در جهت تحقق ابعاد فرهنگی سند چشم‌انداز ملی کشور است و شورای عالی انقلاب فرهنگی را به عنوان ستاد اصلی و قرارگاه سازماندهی فرهنگ کشور در راهبری و هدایت دستگاه‌ها و تعریف نقش مؤثر و کارآمد هر یک و همچنین نظارت و کنترل آن‌ها کمک خواهد کرد. بدون وجود چشم‌انداز واحد، امکان تعیین سهم هر یک از دستگاه‌ها و همچنین سهم هر یک از موضوعات وجود نخواهد داشت.

بر این اساس، سند چشم‌انداز فرهنگی کشور، باید برگرفته از سند چشم‌انداز ملی باشد. در واقع، سند چشم‌انداز بخش فرهنگ کشور، سند چشم‌انداز دستگاه‌ها، نهادها، سازمان‌ها،

مؤسسات فرهنگی کشور خواهد بود که نسبت و سهم هر یک را در جهت تحقق اهداف سند چشم‌انداز فرهنگی و سند چشم‌انداز ملی روشن و تعیین می‌کند. همچنین سند چشم‌انداز موضوعات اصلی فرهنگی، سند چشم‌انداز آن موضوع و ترسیم کننده تصویر آن در سند چشم‌انداز کشور خواهد بود. از این رو، باید سند چشم‌انداز فرهنگی کشور برگرفته از سند چشم‌انداز ملی توسط مرجع ذی صلاحی همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی تدوین شود. این سند، به سازمان‌های فرهنگی کشور ابلاغ گردد و همه سازمان‌ها، طی فرآیندی مشابه، سند چشم‌انداز خود را تهیه نمایند و به مرجعی، همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی جهت تأیید و تطبیق آن با سند چشم‌انداز ملی ارائه دهند. پس از تأیید و یا اصلاح، به عنوان سند چشم‌انداز آن سازمان یا دستگاه تصویب و ابلاغ گردد (علی اکبری، ۱۳۸۶، شماره ۸ و ۹: ۱۸-۲۳).

ابتدا باید بدانیم سیاست‌های کلی فرهنگی در دوره چشم‌انداز، شامل مولفه‌های متعددی می‌شود؛ از جمله تقویت روحیه ایمان و ایثار و عنصر فداکاری به عنوان عامل اصلی اقتدار ملی؛ تبیین مبانی ارزشی و تقویت اعتماد به نفس ملی؛ ایجاد جامعه‌ای سالم، اخلاقی، مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، فرهنگ‌مدار و شهروندانی آگاه، عزت‌مند و برخوردار از ملاک‌های درستکاری و احساس رضایتمندی؛ رشد و اعتلای فرهنگ و هنر ایران و اسلام به‌عنوان عناصر هویت ملی؛ پیشبرد راهبرد گفت و گوی میان تمدن‌ها و فرهنگ‌ها در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی؛ ارتقای نقش و جایگاه زنان در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور و تقویت نهاد خانواده؛ نهادسازی در جهت تولید و ترویج علم و تحقیق و افزایش سهم کشور در تولیدات علمی جهان و گسترش و تعمیق نهضت نرم‌افزاری و تأکید بر رویکرد خلاقیت و نوآوری؛ توسعه علوم و فناوری‌های جدید، شامل فناوری زیستی، ریزفناوری، فناوری فرهنگی، فناوری زیست‌محیطی و فناوری مواد جدید؛ توسعه ارتباطات و زیرساخت‌های ارتباطی و فناوری اطلاعات، متناسب با پیشرفت‌های جهانی.

بر اساس این سیاست‌های کلی، ضرورت و بایستگی تدوین سند چشم‌انداز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران روشن می‌گردد. گام اول در این زمینه تهیه نقشه مهندسی فرهنگی

است که دارای ارکان مختلفی است. بخش اصول، ارزش‌ها، مبانی و چشم‌انداز آن به تصویب شورای مهندسی فرهنگی رسیده است. این چشم‌انداز دارای یک مقدمه و بیانیه است که مقدمه آن به این صورت است:

با توکل به خداوند متعال و اعتصام به قرآن و عترت و در پرتو اسلام ناب محمدی صلوات الله علیه و با عزم و مجاهدت ملی برای نیل به جامعه منتظر و زمینه‌ساز ظهور و در راستای برپایی تمدن نوین اسلامی در چشم‌انداز فرهنگی ۱۴۰۴... مهم‌ترین نقطه این سند، تکیه آن برای رساندن جامعه به مقصدی روشن و مهدوی (جامعه منتظر و زمینه‌ساز ظهور و در جهت برپایی تمدن نوین اسلامی) است. بیانیه این چشم‌انداز، به این به شرح است:

ایران کشوری است با هویت اسلامی ایرانی انقلابی، دست یافته به نظام فراگیر و منسجم فرهنگی، هدایتگر تمامی نظام‌ها و شئون جامعه، دارای جایگاه نخست در عرصه فرهنگ، هنر، تعلیم و تربیت، علم و فن‌آوری، ارتباطات و رسانه و پیش‌تاز در اخلاق و رفتار حسنه در منطقه و جهان اسلام، الهام بخش امت اسلامی و با تعامل فرهنگی سازنده در سطح جهانی.

بر اساس این چشم‌انداز فرهنگ جامعه ایران در افق این چشم‌انداز دارای ویژگی‌هایی است که در هفت محور به تصویب رسید، و برخی از آن‌ها به شرح ذیل است:

۱. برخوردار از هویت اسلامی ایرانی انقلابی؛ مبتنی بر عقلانیت اسلامی، متمسک به قرآن و عترت، ایمان و عمل صالح، پاسدار میراث‌های ارزشمند ایرانی و زبان و ادبیات فارسی، متعهد به نظام جمهوری اسلامی و ولایت فقیه و آرمان‌های امام خمینی علیه السلام و رهنمودهای مقام معظم رهبری و برخوردار از روحیه مقاومت، ایثار، جهاد، شهادت، استکبارستیزی و....
۲. دست‌یافته به نظام فراگیر و منسجم فرهنگی؛ مبتنی بر نظام فرهنگی طراحی شده با تحول در ساختارها، فرایندها و نهادهای مردمی، عمومی و دولتی با رویکرد ایجاد انسجام، هم‌افزایی، ارتقای کارآمدی و محوریت مشارکت مردمی و بهره‌مند از نهادهای اصیل دینی.
۳. هدایتگر تمامی نظام‌ها و شئون جامعه؛ مهندسی و مدیریت نظام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با توجه به مبانی، ارزش‌ها و اصول مذکور در سند.

۴. دارای جایگاه نخست در عرصه‌های:

الف. فرهنگ؛ بهره‌مند از معنویت دینی، کرامت انسانی، خانواده محور، امیدوار و آینده نگر، پرنشاط، خودباور، فعال و خطر پذیر، جمع گرا و ملتزم به نهادهای اجتماعی و حضور مسئولانه در جامعه؛

ب. هنر؛ مبتنی بر حکمت اسلامی، استحکام‌بخش ایمان و احیاگر فطرت بشر و عدالت، مردمی، مروج اخلاق و متعهد به ارزش‌های انقلاب اسلامی و گسترش بخش هنرهای سنتی؛  
ج. تعلیم و تربیت؛ مبتنی بر فلسفه و نظام تعلیم و تربیت اسلامی، شکوفایی استعدادها، خلاقیت، تعقل و تحقیق؛

د. علم و فناوری؛ مبتنی بر فرهنگ اسلامی - ایرانی و نقشه جامع علمی کشور؛

ه. ارتباطات و رسانه؛ حضور تعیین‌کننده در فضای نوین ارتباطات و اطلاعات مبتنی بر ارزش‌ها، شعائر اسلامی و اصل مسئولیت اجتماعی و بهره‌مند از نهادهای اصیل ارتباطی - تبلیغی بازآفرینی شده.

۵. پیشتاز در اخلاق و رفتار حسنه:

الف. اقتصادی؛ دارای وجدان کاری، روحیه همکاری و کار جمعی، کارآفرین و رضایت‌مند مبتنی بر الگوی صحیح مصرف و اتقان در عمل؛

ب. سیاسی؛ برخوردار از وحدت و امنیت ملی، عدالت محوری، استقلال فرهنگی و آزادی مسئولانه، مشارکت سیاسی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی؛

ج. اجتماعی؛ برخوردار از مودت، اخوت، تعاون و سازگاری اجتماعی، با نشاط و سرزنده، دارای صداقت، اعتماد، اطمینان و انسجام اجتماعی بالا، منضبط و قانون‌گرا؛

د. فرهنگی؛ عامل به احکام و مناسک دینی، مانوس با قرآن کریم، بهره‌مند از عفت عمومی، نمادها و آیین‌های اسلامی - ایرانی.

۶. با تعامل فرهنگی سازنده در سطح جهانی مبتنی بر شوق آفرینی نسبت به اسلام ناب محمدی ﷺ، صلح و امنیت جهانی، حقوق فطری و طبیعی انسان‌ها، رفاه عمومی، اخلاق و معنویت، عدالت و امید به فرجام نیک جهان.

۷. الهام بخش امت اسلامی مبتنی بر مردم سالاری دینی و الگوهای کارآمد پیشرفت،

منادی وحدت و همگرایی اسلامی (سند چشم‌انداز بیست ساله کشور، ۱۳۸۴).

## مهدویت، منبع تدوین چشم‌انداز فرهنگی

در جامعه منتظر، یکی از ارکان و منابع اصلی تدوین سند چشم‌انداز، جامعه آرمانی مهدوی است. البته خود «چشم‌انداز عصر ظهور» چشم‌اندازی است که از وضع موجود حادث نمی‌شود؛ بلکه از ارزش‌های اساسی (core Values) و اهداف بنیادین (Core Purpose) در آرمان شهر مهدوی به دست می‌آید. این رویکرد که به «پس بینی» شهرت دارد، یک برنامه‌ریزی از آینده به حال است؛ نه یک شیوه از حال به آینده. برای «پس بینی»، نخست باید یک هدف یا وضعیت مطلوب در آینده را مبنا قرار دهیم و آن‌گاه بکوشیم سلسله گام‌ها یا مراحل را به گونه‌ای تنظیم کنیم که بتواند هدف مورد نظر ما را به امروز برساند. از آن‌جا که جامعه آرمانی مهدوی، بسادگی و در افق زمانی نزدیک قابل تحقق نیست و جامعه در عمل مجبور است، نسخه نازل تری از آن را عملی قرار دهد، این نسخه نازل تر با عنوان چشم‌انداز تصویر پرداز، هنجاری تحقق می‌یابد.

ظهور منجی موعود<sup>ع</sup> در آخرالزمان، یک پیشگویی پیامبرانه است که به طور قطع و یقین حادث خواهد شد؛ هر چند ساعت وقوع آن را تنها خداوند متعال و اولیای گرامی او می‌دانند. پس، سخن گفتن از ظهور منجی که در اندیشه تشیع با اصل بنیادین مهدویت مترادف است، از نوع شناخت مسلم آینده یا «آینده شناسی» است و ما در این‌جا با آینده‌ای مسلم سر و کار داریم که وجوه گوناگون، اما اصلی و بنیادین آن را حسب بیانات مخبران صادق به نیکی می‌شناسیم. در مهدویت، سخن از جامعه‌ای «کامل» و «آرمانشهری» در میان است که بویژه بر محور عدالت، معنویت، استغناء، حق‌گرایی، عبودیت، تعاون و... سازماندهی و مدیریت می‌شود. بر این اساس، ارزش‌های محوری چشم‌انداز ساز مهدویت عبارت است از:

### ۱. بازیابی کرامت آدمی

بر اساس آموزه‌های اندیشه مهدویت، اوج بالندگی و شکوفایی نهایی کرامت آدمی را در روزگار ظهور مشاهده می‌کنیم که در آن، انسان، به فطرت پاک خویش، آزادی واقعی و تکامل خرد دست می‌یابد و جلوه‌گرترین نمونه این‌گونه کرامت، عقل معاندندیش است که افزون بر این که غایت فرجامین بشر، یعنی کمال معنوی را سرلوحه اعمال خویش قرار می‌دهد،

به‌سازی زیست دنیوی و عمارت و آبادانی دنیا را در پی دارد و همچنین در این عصر، آدمی با کسب تقوای الهی، به کرامت اکتسابی دست یافته و با رعایت قوانین اسلام و احترام آدمیان به یکدیگر به کرامت اجتماعی دست می‌یابد.

## ۲- بازگشت به فطرت و پاک نهادی

عصر ظهور، عصر بازگشت انسان به فطرت حقیقی خویش و حاکمیت قوانین فطری است. این امر سبب رشد عدالت خواهی در میان بشر شده و عدالت‌خواهی به عنوان امری فطری، همگان را به پذیرش قیام منجی مصلح وامی‌دارد.

## ۳- آزادی واقعی

در عصر ظهور، در چارچوب رابطه انسان با جامعه و حکومت، قانون‌گریزی‌ها، عنادورزی‌ها و اباحی‌گری‌ها به شکلی گسترده رخت برمی‌بندد. در نتیجه، آزادی‌های اجتماعی در حیطه شریعت محدود می‌گردد؛ زیرا اولاً، از دیدگاه اسلام، مرز آزادی تا جایی است که به حقوق دیگران تجاوز نشود و با آن‌ها در تزامم نباشد. از آن‌جا که تحقق حکومتی عادلانه تنها با رعایت حقوق همگان و اجابت دادخواهی مظلومان و قضاوت‌های عادلانه و رعایت شدن اصل برابری در همه عرصه‌ها میسر می‌شود؛ کمتر کسی در آن عصر از رعایت حقوق بندگان خدا و تلاش برای هم‌زیستی با آنان کوتاهی می‌کند؛ زیرا این کوتاهی‌ها با قاطعیت حکومت عدل مهدوی روبه‌رو خواهد شد.

ثانیاً، آزادی باید با نظام و قانون شریعت اسلامی سازگار باشد. در صورت ناسازگاری در هر وضعیتی، قوانین اسلامی، از جمله اجرای حدود و تعزیرات الهی، در حق او جاری خواهد شد و با قانون‌شکنان بدون هیچ سازش‌کاری و با قاطعیت تمام برخورد می‌شود. از این‌رو، کمتر کسی به ارتکاب فسوق ظاهری، جرئت می‌کند. بنابراین، انسان به آزادی واقعی که همان آزادی معنوی است، نایل می‌آید.

## ۴- فلسفه زیستن

بر اساس آموزه‌های شیعی، حکومت جهانی حضرت امام مهدی علیه السلام بر مبنای خدامحوری و

کفرستیزی و عدالت محوری بر سراسر گیتی سایه می‌افکند و در نهایت، بنیان کنی کفر و الحاد، تصحیح انحرافات فکری و در یک کلمه خدامحوری و اصلاح معنوی حاصل می‌آید و بدین سان هدف اساسی از زندگی آن عصر، بر خداباوری استوار بوده و زندگی را نیز این گونه سامان می‌دهد و لذا انسان که به عالم ماورا ارتباط وثیقی دارد، هیچ گاه احساس تنهایی، پوچی و نیست انگاری نمی‌کند؛ بلکه زیستی زیبا و نه تنفرآور برای خویش ترسیم می‌کند و او که به افق روشن حیات دنیوی خویش رسیده است، ناامیدی و سرخوردگی را در خود راه نمی‌دهد و با حضور خداوند در زندگی و ارتباط با آن غایت متعالی، خود حقیقی و هویت واقعی خویش را بازمی‌یابد و به زندگی خود معنا می‌دهد (محمدی منفرد، ۱۳۸۹: ۱۷۸).

#### ۵- حاکمیت ارزش‌های اخلاقی

در جامعه مهدوی که بر مبنای اسلام است، دولتی اخلاقی با اخلاق مطلق اسلامی تشکیل می‌شود که برگرفته از آموزه‌های وحیانی، مضامین شریعت، تعقل و فطرت پاک انسانی است. بر اساس دولت مهدوی، جامعه بشری به سمت و سوی بصیرت، معنویت، تقواگرایی و اخلاق متعالی پیش می‌رود و بسیاری از انحراف‌ها، فسادها و رذایل اخلاقی، پوچی‌ها و بی‌بندوباری‌ها از جامعه رخت بر می‌بندد و بدین سان، آسایشی را که بشر قرن‌ها به دنبال آن بوده است، به بشر عرضه می‌دارد و آدمی در سایه آن به تکامل روحی و ادراکی نیز نایل می‌آید.

#### ۶- عدالت اجتماعی و اقتصادی

همان طور که اشاره شد، در عصر ظهور، عدالت به تمام معنا حاکم می‌شود تا جایی که آن عصر را عین تحقق عدالت می‌نامند.

#### ۷- حاکمیت امام معصوم علیه السلام

بر اساس دیدگاه شیعه امامیه، حکومت جهانی را دوازدهمین امام از سلسله امامان معصوم اداره می‌کند. او افزون بر این که خود، رئیس عاقلان است و از قوه خرد در اداره نظام سیاسی و اقتصادی جامعه بهره می‌برد، با عالم ماورا پیوند دارد و از دانش‌های آسمانی برخوردار است.

او با یاری جستن از ذات باری تعالی و وحی و شریعت آسمانی، بر نیازها و مشکلات جامعه بشری چیره می‌شود و اقتصاد و فرهنگ سالم، آسایش و امنیت، رفاه عمومی و پارسایی را در جامعه می‌گستراند. بنابراین، بخش مهمی از آبادانی، رفاه، آسایش، توسعه اقتصادی، در مدینه فاضله مهدوی، مرهون وجود امام معصوم و مصون از خطا و اشتباه است؛ زیرا وجود او به منزله انسان کامل، مایه خیر و برکت به شمار می‌رود که با دانایی و توانایی الهی خویش، تمامی مشکلات بشری را پاسخ می‌گوید.

#### ۸- امدادهای آسمانی

در دوران ظهور، همانند یاری‌های آسمانی حضرت حق به مؤمنان، به شکل گسترده‌ای، امدادهای آسمانی برای رفع مشکلات مادی و معیشتی و حتی فرهنگی بشر به یاری زمینیان می‌شتابند؛ چنان که طبق فرمایش رسول گرامی خدا، مردم در زمان قیام مهدی علیه السلام به نعمت‌هایی دست می‌یابند که پیش از آن و در هیچ دوره‌ای دست نیافته بودند. در آن روزگار، آسمان باران فراوان دهد و زمین هیچ رویدنی را در دل خود نگاه ندارد.

#### ۹- بالندگی قوه خرد

قلمرو عقل کامل شده بشری در عصر ظهور، از روزگاران پیشین بسیار فراتر است. همین امر، سبب می‌گردد در مواردی که همانند قبح کذب و حسن صدق قابلیت تشخیص وجود دارد، به قبح و حسن آن‌ها پی ببرد و در مواردی که بر تشخیص حسن و قبح فعلی ممکن نیست، انسان به شریعت و امام معصوم روی آورد؛ زیرا عقل بشری به این مرحله از تکامل رسیده است که تشخیص دهد امام از جانب ذات باری تعالی است و نظر امام در تبیین ردایل و فضایل اخلاقی جنبه یقینی دارد (همان: ۱۷۹).

بر این اساس، چشم‌انداز مهدوی - بخصوص در عرصه فرهنگ، دارای استراتژیک رقابتی برای ایران اسلامی، به عنوان تنها جامعه عمدتاً شیعی نهاد است و همین دارای استراتژیک است که از ما جامعه‌ای متفاوت ساخته است. در جهان رقابتی، آنچه قدرت رقابت‌پذیری جوامع را تضمین می‌کند، تفاوت‌های معناداری است که در جامعه جهانی خریدار

داشته باشد و تردید نکنیم آنچه نوید آن از قول پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خاندان گرامی رسالت داده شده است، منصور بالفطره است، و این نصرت الاهی است که راه گسترش و تعمیق چشم‌انداز مهدوی را در سطح جوامع بشری تسهیل کرده است. هر دارایی استراتژیکی که در عرصه‌های رقابتی داشته باشیم، باید در حفظ آن بسیار بکوشیم و بویژه از تقلید آن توسط رقبا جلوگیری کنیم؛ در حالی که در خصوص این دارایی استراتژیک خاص، ما خرسند می‌شویم که رقبا آن را از ما تقلید و خود را به آن مجهز کنند؛ زیرا با هر گامی که در جهت گسترش و تعمیق چشم‌انداز قدسی در سطح جوامع بشری داشته باشد، عرصه برای تضمین امنیت ملی و سعادت ایران اسلامی بازتر می‌شود. بنابراین، ما باید این دارایی استراتژیک را با تمام قوا پاس بداریم و در جهت ترویج جهانی آن، به گونه‌ای نظام‌مند و برنامه‌دار بکوشیم.

در عصر گفتمان، رهبری جامعه جهانی از آن کسانی است که قادر به خلق گفتمان‌های مسلط باشند. ایران اسلامی، به اقتضای «ماموریت تاریخی» خویش، خواهان حضور و مشارکت فعالانه در رهبری نظام جهانی است، و این حضور و مشارکت، زمانی تضمین می‌شود که ایران اسلامی بتواند «چشم‌انداز قدسی» را به «گفتمان مسلط» در خصوص آینده بشر تبدیل کند. ما می‌توانیم و باید از پس این مهم برآییم و راه کشور و نظام مقدس اسلامی را برای حضور و مشارکت هر چه فعال‌تر در عرصه رهبری جامعه جهانی هموار کنیم. یکی از ویژگی‌های بارز اسلام ناب، اعتقاد آن به ظهور منجی و شکل‌گیری جامعه مهدوی است که به مثابه چشم‌انداز آرمانی جامعه اسلامی تعریف می‌شود. عالمان حوزه و دانشگاه، فیلسوفان، نویسندگان و آینده پژوهان می‌توانند با پژوهش و تحقیق هرچه بیشتر در این زمینه، شناخت خود را از جوانب مختلف آرمان شهر مهدوی تعالی بخشند؛ اما نمی‌توانند چیزی از ظن خود بر آن بیفزایند و یا از آن بکاهند. مبانی و خطوط اصلی این جامعه در آیات و روایات ترسیم شده، و هر نوع تصرف خودسرانه در آن‌ها می‌تواند به منزله بدعت در دین باشد که کم یا زیاد آن خطرناک و به کلی مطرود است.

بحث اخیر نشان می‌دهد گرچه آینده پژوهی تصویرپرداز، بویژه تعریف و تبیین آرمان شهرها در هر جامعه‌ای می‌تواند متصور و مورد نیاز باشد؛ در جامعه اسلامی ما به شناخت و

تبيين آرمان شهر مهدوی مقید است که جایی برای جولان عقل خود بنیاد بشری باقی نمی‌گذارد. این، نشان می‌دهد که محتوای نظام آینده پژوهی در جامعه ما به منظور طراحی کلان آینده جامعه با نظام‌های آینده پژوهی در جوامع سکولار غربی و غیرغربی تفاوت‌های اساسی دارد. این، خود دلیل مضاعفی بر ضرورت بومی سازی آینده پژوهی در ایران اسلامی است.

فرهنگ صحیح و اصیل انتظار و مهدویت را باید در فرهنگ سعادت پروری و زمینه سازی رشد و تعالی انسان‌ها از طریق نیل به عبودیت و هدایت به سوی خداوند جست‌وجو کرد. در عالی‌ترین بخشی از دعای افتتاح بر این امر تأکید شده است که رغبت منتظران به دولت حقه کریمه ارتزاق کرامت دنیا و آخرت است:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا  
النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَ  
تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ (فقره دعای افتتاح).

شاید بتوان این عبارت را عالی‌ترین بیان و توصیف در باب دولت مهدوی دانست. برخلاف رویکردهای امدادگرا و دنیاگرا به مهدویت، در این رویکرد اساس رغبت انسان‌ها به مهدویت و دولت کریمه عبارت است از نیل به سعادت و کرامت از طریق عبودیت الهی. مهم‌ترین کار مهدی یاوران در دولت کریمه عبارت است از دعوت به طاعت الهی و راهنمایی به راه خداوند: «مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ». در قرآن کریم نیز به شیوه‌های مختلف غایت امامت و حکومت هدایت به سوی خداوند و نیل به عبودیت الهی دانسته شده است. کار اساسی پیامبران به مثابه امامان عبارت است از هدایت به امر الهی:

وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ  
إِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ (انبیاء: ۷۳).

آیه مذکور، کار اصلی انبیا را به عنوان امامان جامعه برپایی کارهای نیک، از جمله نماز و زکات می‌داند. بر این نکته در آیه شریفه دیگری نیز تصریح شده است:

الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ  
وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (حج: ۴۱).

بدین سان می‌توان گفت فرهنگ اصیل مهدوی را باید در جهت سعادت محوری تعریف و شناسایی کرد. این امر در تنظیم زندگی فردی و اجتماعی عصر غیبت نیز تعیین کننده است. جامعه عصر غیبت جامعه‌ای است که می‌بایست در جهت تأسی به جامعه مهدوی به سمت سعادت و عبودیت الهی حرکت کند (بهروزی لک، ۱۴۳۴: ۱۲۲-۱۲۵).

از طرفی، مهم‌ترین و کاربردی‌ترین کاربرد آینده‌پژوهی را در حوزه مهدویت می‌توان در بعد تجویزی آینده‌پژوهی جست‌وجو نمود. مهدویت در این حوزه، بزرگ‌ترین فرج برای جامعه عصر غیبت است تا بتواند با تأسی به جامعه موعود، به بازسازی و احیای خویش بپردازد؛ بویژه در شرایط کنونی که عصر بیداری اسلامی و احیای تمدن اسلامی است. هر گونه اقدام و طرحی برای احیای جهان اسلام و رشد و بالندگی جوامع اسلامی به تمسک به عروة الوثقی الگوهای ناب اسلامی نیازمند است. در این زمینه علاوه بر مبانی دینی، آموزه‌های قرآن و سنت، الگوهای کاربردی و عملی موثری وجود دارد. مصداق برتر الگو و اسوه را برای احیای تمدن اسلامی می‌توان در دنیای کنونی (علاوه بر الگوهای مذکور پیشین) تمسک به الگوی آرمانشهر مهدوی دانست. یقیناً به لحاظ کیفی، جامعه مهدوی بر تمامی جوامع ایمانی پیشین، حتی جامعه رسول الله ﷺ برتری دارد. جامعه نبوی به دلیل نقصان شهروندان خویش و نه رهبر و قائمش، نتوانست به تمامی ظرفیت‌های کمالی اجتماعی مطلوب برسد. بدین جهت، آرمانشهر مهدوی را می‌توان تحقق تمامی ظرفیت‌های تحقق نیافته در جامعه نبوی دانست (سعدی، ۱۳۸۱: ۸).

بر این اساس، آرمانشهر مهدوی الهام بخش آینده مطلوب در آینده‌پژوهی دینی است. اگر به تعبیر جیمز دیتور آینده را محصول تعامل و تأثیر چهار عامل تلقی‌ها، اقدامات، روندها و حوادث بدانیم؛ بدون تردید تلقی از آینده در بستر دینی در چارچوب آموزه مهدویت شکل می‌گیرد. بدین جهت، مهدویت پژوهی می‌تواند الهام بخش محتوای جامعه مطلوب در آینده‌پژوهی گردد. وجه الهام بخشی آرمانشهر مهدوی را در تنظیم و تجویز آینده‌های محتمل پیش رو در عصر غیبت می‌توان با استفاده از الگوی پس‌نگری تبیین کرد.

باید توجه داشت تدوین سند چشم‌انداز، با توجه به امکانات موجود، ارزش‌های اساسی و

اهداف بنیادین در هر نظام سیاسی، متفاوت است. از این رو، باید از ترسیم چشم‌اندازی که با ارزش‌ها و اهداف نظام سازگاری ندارد و یا چشم‌اندازی غیر ممکن و محال اجتناب کرد. چشم‌انداز، به مثابه یک روش، با ترسیم آینده محال هیچ تناسبی ندارد؛ و به دنبال آینده مرجح است. چشم‌انداز فرهنگی مبتنی بر مهدویت، باید آرمان‌گرا باشد و نباید چشم‌انداز مهدوی با جامعه دست نیافتنی اشتباه گردد. این چشم‌انداز، باید محصول ارزش‌های اساسی و اهداف بنیادین باشد که از آموزه‌های مهدویت سرچشمه گرفته است. بر این اساس، باید کلیدی‌ترین ارزش‌ها، آرمان‌ها و اهداف در نظام سیاسی از طریق چشم‌انداز بیان شود تا درک روشنی از شرایط کنونی ارائه دهد و نقشه راهی برای آینده باشد. نکته مهم در این چشم‌انداز فرهنگی، این است که باید در پی تغییر وضع موجود با چراغ راهنما قرار دادن آینده باشد. همچنین بتواند به میثاق عمومی تبدیل شود و مشارکت مردمی را در حد اعلا جلب کند؛ یعنی باید برانگیزنده مشارکت همگانی و مشوق حرکت جامعه به سوی جامعه آرمانی مهدوی باشد.

#### نتیجه

تدوین سند چشم‌انداز فرهنگی جمهوری اسلامی، مبتنی بر مهدویت، از ضرورت‌های اساسی جامعه ماست که به هم فکری و پژوهش و دقت نظر فراوان نیاز دارد. در واقع، ترسیم وضعیت مطلوب از جامعه آرمانی مهدوی، تلاش و همکاری گروه نخبگان فکری حوزه و دانشگاه را می‌طلبد. استخراج چشم‌انداز مهدوی از آیات و روایات، همراه با بررسی اندیشه‌های سیاسی رهبران عالی نظام، قانون اساسی و سند چشم‌انداز و نیز استخراج ارزش‌های اساسی، اهداف بنیادین مهدوی و ترسیم آینده ترسیم شده، از یک سوکاری دشوار؛ اما لازم و ضروری است؛ که با همت گروهی نخبگان امروز جمهوری اسلامی ایران، شدنی است. از سوی دیگر، به دو دانش حوزوی و دانشگاهی آشنا به امور آینده پژوهی نیاز است. از طرفی جذاب‌ترین کارآمدترین چشم‌انداز بدون استراتژی و تاکتیک‌های اجرایی، در حد تصویری مطلوب زیبا باقی خواهند ماند. در سه دهه انقلاب، شعارهایی متفاوت و فراز و نشیب‌های جدی از سوی دولت‌ها را شاهد هستیم. بر این اساس، حرکت از تدوین چشم‌انداز به اجرا و پیاده‌سازی آن،

به مدیریت کلان نیازمند است؛ بدین معنا که به تصویب چشم‌انداز از سوی بالاترین مرکز تصمیم‌گیری نیاز دارد؛ تا با آمد و رفت و تغییر سیاست دولت‌ها، در استراتژی چشم‌انداز مهدوی به مشکل دچار نباشیم. این برنامه استراتژیک و تاکتیک‌ها باید همه ساله از سوی مدیریت کلان مورد بازنگری قرار گیرد. در کنار مدیریت کلان، چشم‌انداز مهدوی به بسیج ملی نیاز است که همکاری همگانی نهادهای دولتی (وزارت خانه‌ها و نهادهای دولتی) و نهادهای مردمی (خانواده، مدرسه و نهادهای غیر دولتی) را می‌طلبد؛ تا بتوان آموزه‌های مهدوی را به اجرا گذاشت (علیپور، ۱۳۹۲: ۲۱۰).

بر این اساس، باید ادبیات آینده‌پژوهی در مراکز علمی و دینی ما ترویج گردد و با تقویت مراکز تخصصی و پژوهشی مهدویت، ابعاد مختلف محورهای اساسی سند شکافته شده و الگوها و راهبردهای متناسب با هر محور به صورت شفاف تعریف و اعلام گردد. با عنایت به اهمیت موضوع، لازم است حوزه‌های علمیه در جذب مشارکت ملی تحقق چشم‌انداز فرهنگی کمک کنند. همچنین طرح یک شعار مناسب ملی و فراگیر در پیشبرد اهداف چشم‌انداز فرهنگی برای عموم مردم ضروری است و تا زمانی که این شعار جامع و فراگیر، انتخاب نشود، نمی‌توان جایگاه این نوع سند را در جامعه نهادینه کرد.

## منابع

۱. اسلاتر، ریچارد (۱۳۸۴). *دانش واژه آینده پژوهی*، ترجمه محمدرضا فرزاد و امیر ناظمی، تهران، مرکز آینده پژوهی علوم فناوری دفاعی.
۲. اسلاتر، ریچارد (۱۳۸۴). *نو اندیشی برای هزاره نوین*، ترجمه عقیل ملکی فر و همکاران، تهران، مرکز آینده پژوهی علوم فناوری دفاعی.
۳. ازگلی، محمد (۱۳۸۳). *رهبری استراتژیک چشم/انداز*، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین علیه السلام.
۴. امام خمینی، روح الله (بی تا). *صحیفه امام، تهران*، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، نرم افزار.
۵. ایکاف، راسل و جیسون، گلیدسون و هربرت، اریسو (۱۳۸۶). *طراحی آرمانی*، ترجمه اسلاتر، تهران، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۶. بستان، حسین و همکاران (۱۳۸۷). *گامی به سوی علم دینی (ساختار علم تجربی و امکان علم دینی)*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. بهروزی لک، غلامرضا (۱۴۳۴ هـ.ق). *مجموع مقالات مؤتمر الامام المهدی و المستقبل العالم، الدراسات المستقبلیه و قدرات، استخدام نمونج المدینة الفاضلة المهدویة فی عصر الغیبة*، نجف اشرف، مجمع اهل البيت علیهم السلام.
۸. پال، هرسی و کن، بلانچارد (۱۳۶۸). *مدیریت رفتار سازمانی*، ترجمه قاسم کبیری، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
۹. پدرام، عبدالرحیم و همکاران (۱۳۸۸). *آینده پژوهی مفاهیم و روش*، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری و دفاعی.
۱۰. جعفری، محمدتقی (۱۳۸۶). *فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو*، قم، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۱۱. حفیظی، روح الله (۱۳۸۶). *چشم انداز ۲۰ ساله ایران و طرحی استراتژیک برای تحقق آن*؛ تهران، بی تا.
۱۲. خزایی، سعید (۱۳۸۰). *درآمدی بر معنای آینده پژوهی و مهندسی هوشمندانه آینده*، سایت آینده پژوهی، [www. Ayandeh pajoochi. Com/archive/....php](http://www.Ayandeh-pajoochi.Com/archive/....php).
۱۳. خزایی، سعید (۱۳۸۸). *شکل بخشیدن به فردای مطلوب و هنر خلق چشم انداز*، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری و دفاعی.
۱۴. رضائی میرقائد، محسن و مبینی دهکردی، علی (۱۳۶۸). *ایران آینده در افق چشم انداز*، تهران، بی تا.

۱۵. رضائیان، علی (۱۳۸۶). *تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم، تهران، بی نا.*
۱۶. رضایی، محسن (۱۳۸۴). *چشم‌انداز/ایران فردا، تهران، انتشارات الدیکا.*
۱۷. سعدی، حسین علی (۱۳۸۱). *جامعه مهدوی آرمان‌شهر نبوی در جمهوری اسلامی، بی نا.*
۱۸. سی‌پاتریک، لوئیس (۱۳۸۶). *ایجاد چشم‌انداز مشترک، ترجمه دکتر ابراهیم حسن بیگی، بی جا، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.*
۱۹. علی اکبری، حسن (۱۳۸۶). *نشریه مهندسی فرهنگی، شماره ۸ و ۹، اردیبهشت و خرداد.*
۲۰. فرد، فیدلر و شیمرز، مارتین (۱۳۷۱). *رهبری اثربخش، ترجمه سهراب خلیلی، تهران، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.*
۲۱. قدیری، روح ا.، (بی تا). *بررسی و شناخت روش‌های مطالعه آینده، تهران، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقات صنایع دفاعی.*
۲۲. کاپلان، رابرت و نورتون، دیوید (۱۳۸۶). *نقشه استراتژی، ترجمه حسین اکبری و مسعود سلطانی و امیر ملکی، تهران، گروه پژوهشی صنعتی آریانا.*
۲۳. کارگر، رحیم (۱۳۸۵). *آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام).*
۲۴. کارگر، رحیم (۱۳۸۸). *آینده‌پژوهی مهدوی، فصلنامه انتظار موعود علیه السلام، شماره ۲۸، بهار.*
۲۵. کورنیش، ادوارد (۱۳۸۸). *آینده پژوهی پیشرفته، نگاهی ژرف به اصول، مبانی و روش‌های آینده پژوهی، ترجمه سیاوش ملکی فر، تهران، اندیشه‌آصف.*
۲۶. کوشا، غلام حیدر، پژوهشی در الگوی مطالعه سنت‌های اجتماعی در قرآن، *فصلنامه معرفت فرهنگی/اجتماعی، سال اول، شماره ۲، بهار.*
۲۷. لیندگرن، ماتس و باندهولد، هانس (۱۳۸۶). *طراحی سناریو، پیوند بین آینده و راهبرد، ترجمه عزیز تاتاری، تهران، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.*
۲۸. محمد علیپور، محمود (۱۳۹۲). *مجموع مقالات مهدویت و آینده‌پژوهی، کاربرد روش‌های چشم‌انداز در مهدویت‌پژوهی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.*
۲۹. محمدی منفرد، بهروز (۱۳۸۹). *عنوان رساله ی سطح چهار، نقد و بررسی اتوپای عصر مدرن (تامس مور و فرانسیس بیکن) با تأکید بر اندیشه مهدویت، بهار.*
۳۰. — (۱۳۸۴). *سند چشم‌انداز بیست ساله کشور، ابلاغی مقام معظم رهبری به سران سه قوه، تهران، منتشره توسط دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام.*
۳۱. ملکی فر، عقیل و همکاران (۱۳۸۵). *القبای آینده‌پژوهی، تهران، کرانه علم.*

## المهدوية ومكانتها في منظار ثقافة الجمهورية الإسلامية في إيران (من)

### خلال رؤية الدراسات المستقبلية) ❖

رحيم كاركر<sup>١</sup>

مما لا شك فيه فإن «الدراسات المستقبلية» تشكل واحدة من المجالات التحقيقية والمعرفية وأخذت على عاتقها مسؤولية ترسيم وتبيين المستقبل الذى سيؤول إليه العالم، وعلى أساس هذه الرؤية والإتجاه فقد قام قيادات المجتمعات ومن خلال الأخذ بنظر الإعتبار العوامل المختلفة (القناعات، الآمال، الفرص، التهديدات، الإمكانيات) ولأجل الوصول ورسم صورة صحيحة عن المستقبل بتنظيم وثائق بعنوان «المرتقبات» وعليه فإن تلك المرتقبات والتوقعات أصبحت هي بيان ومنحنى ومسير منظم للحركة من الحال الى المستقبل ومن الوضع الموجود الى الوضع المطلوب. ومن الطبيعي فإن واحدة من الضروريات الأساسية للمجتمع الدينى هي كتابة المرتقبات الثقافية اعتماداً على المهدوية. وبطبيعة الحال فإن الرؤية التى تبنى على هذه العقيدة تقدم من جانب تصور وترسم صور مطلوبة مثالية ومن الممكن تحقيقها والعمل به فى ظل المجتمع الفاضل وفى جانب آخر فهى توضح نقطة مفادها ان المستقبل الذى سيكون بإنظارنا هو مستقبل قائم على العدالة والحاكمية التوحيدية فى جميع اصقاع المعمورة. وبالطبع فإن الرؤية المستقبلية للجمهورية الإسلامية الإيرانية التى تتضمن المرتقبات الثقافية والسياسية والاجتماعية والاقتصادية لم تول أهمية وعناية خاصة لمسألة الموعودية والمهدوية بالشكل المطلوب والمناسب ويمكن رفع هذه النقيصة بواسطة كتابة وثيقة للمرتقبات الثقافية لها يكون أساسها ومركزها الرئيسى هو المهدوية. وفى الواقع فإن المرتقبات الثقافية التى أعتمدت على الأسس والقواعد المهدوية هي بارقة أمل وباعثة على التفاؤل لتحقيق القيم المتعالية وإنزالها على أرض الواقع وتصبح حقيقة ملموسة وذلك بظهور موعود الإنسانية وآملها الحقيقى الإمام المهدي عليه السلام ومن أهمها هي الكرامة الآدمية والعودة الى الفطرة السليمة والحرية الواقعية وحاكمية القيم الأخلاقية والرقى العلمى وغيرها من الصفات المتميزة وفى هذا الخصوص يجب ان يتبلور ويتشكل وينظم القرار والدستور الثقافى من مدينة قم ويكون بالتالى المسؤول فى كتابة المرتقبات والرؤى المستقبلية الثقافية للجمهورية الإسلامية.

**المصطلحات المحورية:** المرتقبات، المرتقبات الثقافية، المهدوية، المدينة الفاضلة.

١. عضو فى الهيئة العلمية فى معهد الدراسات للعلوم و الثقافة السلامية.